عصر مردم

والعصر

هر که او آگاهتر، جانش فزون

چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ - ۸ شوال ۱۴۴۰ - شماره ٦٦٤٧

روزنامه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد عسلی

سردبیر: اسماعیل عسلی

رتبه:۴۳

ISSN: 1557 - 2008

لیتوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم - تلفن:۳۲۳۵۹۶۱۰

تلفن سرپرستی‌های عصر مردم در:

اصفهان: ۰۹۱۳۹۱۴۷۷۲۷ هاشمی

کرمانشاه: ۰۹۱۸۱۳۱۱۴۹۸ کبودی

بوشهر: ۰۹۱۷۷۷۲۳۶۰۵ رستمی

نشانی: شیراز - قصردشت - چهارراه ملاصدرا - نبش کوچه ۳۳ - ساختمان روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۸-۳۲۳۰۰۳۳۷ - نمابر: ۳۲۳۰۳۸۳۰

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۱۳-۳۲۳۴۸۰۱۰-۳۲۳۴۵۸۸۰-۲- ۳۲۳۴۱۰۰۰

WEB: Asremardom.com

Email Address: asr.e.mardom@Gmail.com asremardom

گاه روز

اذان صبح	۰۴:۲۶
طلوع آفتاب	۰۵:۵۹
اذان ظهر	۱۳:۰۰
اذان مغرب	۲۰:۲۰

امروز

۱۹ ▼ ۳۸ ▲

صاف تا کمی ابری گاهی وزش باد

به یاری اندیشه
تیرگی های کار روشن و آشکار می‌شود

امام علی (ع)

انتقاد از سیاست‌گذاری‌های دولتی در مستندسازی

ایسنا: حمید جعفری با بیان انتظاراتش از رییس سازمان سینمایی و با ارزیابی عملکرد مالی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی گفت: تا وقتی این مرکز اساسنامه خود را منتشر نکند، هیچ ملاکی برای ارزیابی دقیق عملکرد مالی آن وجود ندارد.

به دنبال شفاف‌سازی‌هایی که در زیرمجموعه‌های سازمان سینمایی صورت گرفته عملکرد مالی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در سال ۹۷ هم منتشر شد که حمید جعفری _ مستندساز _ در این‌باره در گفت‌وگویی با ایسنا با قابل تقدیر دانستن اصل شفاف‌سازی بیان کرد: اما موضوع مهم دیگر این است که تا زمانی‌که مرکز گسترش اساسنامه خود را به صورت عمومی منتشر نکند، بررسی و صحبت در باره این گزارش مالی کار دشواری است، چرا که هیچ ملاکی برای ارزیابی دقیق آن وجود ندارد.

او ادامه داد: در بررسی گزارش مالی منتشرشده چند نکته قابل توجه و بررسی است. اول اینکه باید ببینیم چند درصد از بودجه به تولید و بازار اختصاص داده شده است. به کل تولیدات مرکز اعم از فیلم و انیمیشن ۲۰ درصد بودجه تعلق گرفته است. ریز آن به این شرح است: فیلم کوتاه مستند ۲ درصد، فیلم نیمه‌بلند مستند ۵ درصد، مستند فاخر که منظور مستند بلند است ۶ درصد، انیمیشن کوتاه ۶ درصد و انیمیشن سینمایی ۱ درصد.

وی افزود: با بررسی این بودجه‌بندی به نظر می‌رسد مدیریت مرکز گسترش توجهش را از تولید مستندهای کوتاه کم کرده و به مستندهای بلند به منظور اکران عمومی تمایل بیشتری نشان داده است. این نوع سیاستگذاری لطمه‌ای جدی به سینمای خلاقه در مستندسازی ما می‌زند و آن را قربانی سینمای بدنه می‌کند. ارزش اعتبار و اهمیت فیلم مستند به بلندی و کوتاهی آن نیست، به همین دلیل اطلاق صفت "فاخر" به مستندهای بلند نادرست و بیشتر تحت تأثیر سینمای داستانی و به دست آوردن امکان اکران عمومی با توجه به تن دادن به معیار سینمای بدنه است.

جعفری گفت: امکان اکران برای فیلم‌های مستند هم فعلاً تنها در هنر و تجربه میسر است. با این حساب مرکز به جای اینکه تلاش کند سهم بیشتری برای سینمای مستند به طور عام از هنر و تجربه بگیرد مستندسازان را سوق می‌دهد تا با معیار هنر و تجربه فیلم بسازند.

کارگردان مستند «باد» در ادامه تصریح کرد: نکته قابل ذکر دیگر در این گزارش تولید مشترک با کشورهای دیگر در حوزه‌های مختلف و مقایسه آنهاست. تولید مشترک یک فیلم سینمایی انیمیشن با کره جنوبی که کارگردان آن کره‌ای و تهیه‌کننده‌اش ایرانی است، چهار درصد از کل بودجه مرکز را به خود اختصاص می‌دهد، یعنی دوبرابر کل تولیدات مستند کوتاه. در حالی که تولید مشترک پنج فیلم مستند با کشورهای دیگر تنها یک درصد از این بودجه را در بر گرفته است.

او افزود: در این میان تعدادی سرفصل قابل بحث دیگر هم هست. برای مثال شش درصد کل بودجه مرکز صرف جشنواره پویانمایی تهران شده در حالی که متولی این جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این مبلغ برابر کل هزینه تولیدات مستند بلند است. شاید مرکز در راستای اساسنامه خود عمل کرده باشد اما وقتی من از دور به این موضوع می‌نگرم متوجه ضرورت آن نمی‌شوم.

جعفری بیان کرد: در باره بخش بازار نیز تنها یک درصد بودجه به آن اختصاص داده شده است. بازار می‌تواند ضامن بازگشت سرمایه باشد و به روان‌تر شدن چرخه تولید کمک کند، به همین دلیل باید به آن توجه بیشتری شود. اما در تولیدات مرکز فیلمسازان سهم اندکی از حقوق فیلم را دارند و مرکز گسترش خودش صاحب اصلی فیلم‌هاست و ظاهراً با توجه به دولتی بودن بودجه و تولید، بازگشت سرمایه اهمیت چندانی ندارد.

کارگردان مستند «برد» با اشاره به اینکه ۱۹ درصد بودجه صرف برگزاری جشنواره سینما حقیقت می‌شود گفت: با توجه به این تقسیم‌بندی بودجه و مشارکت مرکز در برگزاری جشنواره‌های دیگر، به نظر می‌آید کار اصلی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برگزاری جشنواره است نه تولید فیلم مستند.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به انتظاراتی که از رئیس سازمان سینمایی دارد، اشاره کرد و گفت: مهم‌ترین انتظاری که من به عنوان مستندساز از آقای انتظامی دارم این است که مقدمات کاهش حضور و دخالت دولت در سینما و بویژه سینمای مستند را فراهم کند تا میل به تصرف مالکیت آثار توسط دولت در ساخت فیلم‌های مستند به حداقل ممکن برسد و زمینه مناسبی برای حضور و فعالیت بیشتر بخش خصوصی باشد.

این مستندساز در پایان افزود: همچنین امیدوارم رئیس سازمان به اصلاح نگرش بازارمحور در اکران فیلم‌های هنر و تجربه کمک کند تا این بخش به جایگاه واقعی خود که به‌خاطر آن ایجاد شده برگردد.

انگار نه انگار

احمد رضا سهرابی

محمد سلمانی عنوان کرد

شاعرانی که حق ندارند مانیفست صادر کنند

ایسنا: محمد سلمانی می‌گوید اگر شاعری در قالب‌های شعر کلاسیک توانایی ندارد حق ندارد مانیفست صادر کند که غزل و شعر کلاسیک مرده است.

این شاعر، در باره میزان اثرپذیری آثار ادبی معاصر از ادبیات کلاسیک اظهار کرد: ما هرچه داریم از ادبیات کهن داریم. سوال در باره نمود و اثرگذاری ادبیات کهن در ادبیات معاصر مثل این است که بگوییم اثر حروف الفبا را در زبان فارسی می‌بینید یا خیر؟! ادبیات هم همین‌طور است. ما اگر بر آثار ادبی خودمان تکیه نداشته باشیم که اصلا چیزی نداریم بگوییم. آن‌وقت باید مثل انسان‌های اولیه شعر بگوییم.

او سپس در پاسخ به این‌که آیا ادبیات ما به مدرنیته رسیده است، گفت: ادبیات ما هنوز به مدرنیته نرسیده است. روزی کسی می‌گفت که قطار دهلی هند را به مدرنیته می‌رساند اما هنوز هند تا مدرنیته خیلی راه دارد و بخش‌هایی از آن هنوز به هیچ جای مدرنیته نرسیده است. در ایران هم همین‌طور است، ما هنوز با مدرنیته خیلی فاصله داریم. هنوز باید به تدریج حرکت کنیم و این به معنای آن نیست که ناامید شویم یا به طرف مدرنیته حرکت نکنیم، اما هنوز خیلی فاصله داریم.

سلمانی با بیان این‌که باید ببینیم اصلا ضرورت دارد که ادبیات کلاسیک را کامل کنار بگذاریم، ادامه داد: بعضی فکر می‌کنند در ادبیات کلاسیک و غزل نمی‌توانیم همه خواسته‌های‌مان را بگوییم که این از توانایی نداشتن شاعر ناشی می‌شود. یعنی اگر شاعر قدرتمند باشد، تمام حرف‌هایش را می‌تواند در قالب شعر کلاسیک هم بزند اما اگر نمی‌تواند تقصیر و مشکل خودش است و دیگر حق ندارد مانیفست صادر کند که غزل و شعر کلاسیک مرده است و ما باید کار جدیدتری انجام دهیم. اما اگر این از توانایی شاعر باشد که چنین حرفی بزند، بحث دیگری است. یعنی اگر کسی که غزل‌سرای موفق و شناخته‌شده‌ای است چنین حرفی بزند ما می‌توانیم از او بپذیریم. اما ما چنین چیزی را اصلا سراغ نداریم.

سراینده مجموعه شعر «من اگر قاطی کنم...» افزود: کسانی این حرف را می‌زنند که توانایی سرودن ادبیات کلاسیک را ندارند و در آن ضعف دارند و چون نمی‌توانند در این قالب‌ها شعر بگویند ناچار می‌شوند به کار دیگری روی بیاورند. اما اگر کسی توانایی سرودن غزل را داشته باشد و این حرف را بزند آن‌وقت این حرف قابل بحث است. ولی نمونه‌ای نداریم که در غزل موفق باشد و بگوید که غزل مرده است؛ پس غزل جریان دارد و هست و چون هست، ما نمی‌توانیم آن را کنار بگذاریم.

محمد سلمانی در اثرپذیری از ادبیات کهن در دوران معاصر کسانی را موفق‌تر دانست که با ادبیات کهن آشنایی دارند و گفت: آنهایی که علم مطالعه ادبیات کهن را دارند، در اثرپذیری از ادبیات کهن، شاعران موفق‌تری هستند و در شکل‌های گوناگون شعری شعر می‌گویند.

وداع باشکوه فرهنگوران با پیکر زنده یاد ناصر امامی

صفدر دوام

صبح دیروز و در واپسین روزهای خرداد اصحاب فرهنگ و هنر و اندیشه برای وداع یکی دیگر از استوانه های فرهنگی، ادبی و رسانه ای کهن دیار فارس و شیراز در مقابل تالار حافظ به گرد هم آمدند.

وداع با استاد ناصر امامی شاعر، روزنامه نگار و فعال اجتماعی فرهنگوری که علاوه بر حوزه ادب و هنر در زندگی اجتماعی نویدگویی افزود: مرحوم امامی بسیاری از کارها و کمک هایی را به افراد انجام می داد که ما خبر نداریم.

وی با اشاره به اینکه فقدان استاد امامی جامعه فرهنگی شیراز را سوگوار کرده است، اضافه کرد: آن مرحوم راه های دور و نزدیک کشور را همراه با مدیر عامل بنیاد بین المللی مادر جناب مهندس محمدی پیمود تا از مادران این سرزمین تجلیل کنند.

او گفت: ناصر امامی علاوه بر شخصیت فرهنگورش، یک انسان نوعدوستی بود که همواره دغدغه همنوعان و جامعه خویش داشت.

عکس: علی گزبلند / عصر مردم

نوید گویی افزود: جدای از مدیریت کنونی و سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی استان می خواهم بدانم چه اقدامی برای هنرمندان این شهر انجام شده است؟! چرا هنوز یک قطعه زمین برای دفن هنرمندان پایتخت فرهنگی کشور در نظر گرفته نشده است؟

وی با بیان اینکه باید قدردان هنرمندان این دیار بود، ادامه داد: بسیاری از شهرهای ایران که نامی از فرهنگ با خود به همراه ندارند قطعه ای برای آرامگاه ابدی هنرمندان شان در نظر گرفته اند ولی این مهم در شیراز که مرکزیت فرهنگی دارد، انجام نشده است.

نویدگویی در ادامه از مدیریت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خویش زندگانی هنرمندانه ای داشت.

جامعه فرهنگی و اصحاب ادب و هنر دیروز برای وداع آخر در برابر نمای سترگ تالار حافظ جمع شده بودند تا با انسانی به تمام معنا در خدمت حیطه فرهنگ خداحافظی کنند.

داریوش نویدگویی مدیر انتشارات بین المللی نوید شیراز در این مراسم به فقدان اساتیدی چون حسن امداد، محمد بهمن بیگی، صادق همایونی و ناصر امامی در چند سال گذشته اشاره کرد و گفت: آیا شرایط کنونی جامعه ما به گونه ای هست که بزرگانی نظیر ناصر امامی در آن رشد کنند.

وی ادامه داد: روش و منش ناصر امامی به شیوه ای بود که نه تنها در عرصه شعر و فرهنگ بلکه در عرصه اجتماعی برای اقشار مختلف مثمر ثمر بود.

و روزنامه های عصرمردم و خبر جنوب به جهت توجه ویژه به آثار و همچنین انعکاس شایسته فوت آن مرحوم تقدیر و تشکر کرد.

نویدگویی همچنین در پایان پیام معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رابطه با درگذشت استاد ناصر امامی را قرائت کرد.

سیروس رومی شاعر، روزنامه نگار و پژوهشگر نیز در این مراسم با اشاره به آغاز شاعری مرحوم استاد امامی از سن ۱۵ سالگی، اظهار داشت: مرحوم امامی در سنینی که کودکان به بازی های مرسوم کودکانه مشغول هستند به ادبیات و شعر پناه آورد و در جوانی هم با شعر فکاهی به نوعی سردبیری نشریه ای فعالیت داشت.

رومی افزود: مرحوم امامی از همان زمان در حوزه فرهنگی و اجتماعی فعالیت داشت و این تلاش مستمر تا همین سه روز پیش یعنی روز رفتنش به سرای باقی ادامه داشت.

وی افزود: استاد امامی در کنار فعالیت های فرهنگی در سمت های مشاور فرهنگی استاندار، سرپرستی روزنامه اطلاعات، فعالیت در مجتمع فرهنگی احسان و در آخر هم معاونت فرهنگی بنیاد قلب فارس همواره در خدمت جامعه بود و برای توسعه اجتماعی و فرهنگی جامعه از هیچ اقدامی دریغ نکرد.

در این مراسم پس از اقامه نماز میّت پیکر استاد ناصر امامی به دارالرحمه شیراز منتقل و بخاک سپرده شد.

ناصر امامی متولد ۱۳۱۷ شیراز از نوادگان شیخ مفید از جمله شاعران شیرازی موفق همروزگار ما بود از این شاعر آثاری چون مجموعه شعر "باران خاطرات، زیر چتر ۷۵ سالگی"، دربرگیرنده گفت و گوهای شاعرانه و مناظره منظوم با ۵۴ شاعر بلندآوازه کشور است که در اصطلاح ادبی "اخوانیات" نامیده می‌شود؛ وی همچنین دفترهای متعدد شعر و کتاب‌های گوناگونی از خود به یادگار گذاشت که از جمله آنها می‌توان به صدای پای مهتاب، یک دریا مروارید، به سوی فردایی بهتر، یک سال شور و عشق و دانایی و مرواریدهای غلتان اشاره نمود.

در پیشینه استاد ناصر امامی، دبیر انجمن ادبی صائب در تهران در دهه ۴۰ خورشیدی، سرپرستی روزنامه اطلاعات در استان فارس، مؤسس کانون ادب و هنر پارس، معاونت فرهنگی بنیاد قلب فارس و عضو هیأت رئیسه کانون دانش فارس قرار دارد.

به یاد استاد امامی

علی گزبلند

شاید دیگر دوران انسانهای جامع الاطرافی، همچون بوعلی سینا گذشته باشد اما وجود ادیبان دانشمند و آراسته به فضل شعر و حکمت در کنار کادر درمانی بیمارستانها، می‌تواند این خلا را تا حدودی پرکند. حضور ادیبی چون استاد امامی به خوبی از یک مکان علمی، گوهری یگانه و آراسته به اخلاق ساخته بود.

وجود ذی جود استاد امامی بیمارستان بزرگ قلب کوثر را در جایگاه مرکزی علمی که تلاش می‌کند الام کالبدی انسان ها را علاج کند، به جایگاهی رفیع تر در کرامت بخشی به روح آنها تبدیل کرده بود. درد آگاهی و فهم ذاتی استاد امامی که در تعامل کامل با سنت های فکری ایرانی بود، این مهم را به شیوه ای نیکو در شهر شیراز به عنوان روشی برای ارتقای اخلاق پزشکی در شهر ادب تبدیل کرده بود.

دیروز استاد فرهیخته ناصر امامی رخ در نقاب خاک کشید، مردی که می‌توان او را عامل پیوند طولانی و عمیق میان رسانه ها و بیمارستان قلب کوثر فارس دانست ، پلی بود میان بدنه فعال درمانی و ادبی و رسانه ای استان که جای خالی اش تا مدتها حس خواهد شد.

در این جا با ابراز تاسف فراوان از این فقدان، مدیریت بیمارستان قلب کوثر را به ادامه این سنت نیکو و بکارگیری ادبیان استان در کنار کادر فنی این مجموعه برای اعتلای بیشتر این بیمارستان خوش نام دعوت می کنم، به این امید که در این استان، ادب مرد همیشه به ز دولت او باشد.

«تعلیق» ژان پل سارتر منتشر شد

مهر: رمان «تعلیق» نوشته ژان پل سارتر با ترجمه حسین سلیمانی‌نژاد توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شد.

رمان «تعلیق» نوشته ژان پل سارتر به‌تازگی با ترجمه حسین سلیمانی‌نژاد توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دویست و هشتاد و نهمین عنوان «داستان غیرفارسی» است که این ناشر چاپ می‌کند.این رمان یکی از عناوین سه‌گانه «راه‌های آزادی» ژان پل سارتر است.

به بهانه زاد روز موسس اولین مدرسه صنعتی شیراز

تدوین: سید سعید انجوی امیری

سید ابراهیم ضیاء قشقایی مشهور به ضیاءالواعظین (۲۲ خرداد ۱۲۶۷–۳ خرداد ۱۳۲۲) نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاستمدار ایرانی بود.

وی در ۲۲ خرداد ۱۲۶۷ در شیراز به دنیا آمد. پدرش یک روحانی به نام سیدمصطفی یزدی بود. ابراهیم تا ۲۵ سالگی در شیراز ماند و تحصیلات عمومی و حوزوی را تکمیل کرد و لباس روحانیت به تن کرد.

ابراهیم ضیاء سپس به کلکته هند رفت و مدتی با روزنامه حبل‌المتین همکاری کرد. در سال ۱۲۹۵ خورشیدی به ایران بازگشت اما در شیراز به زندان انگلیسی‌ها افتاد. بعد از آزادی به تهران رفت و در سال ۱۳۰۰ خورشیدی روزنامه ایران آزاد را تأسیس کرد. این روزنامه در دی ۱۳۰۱ به دلیل چاپ مقالات تند علیه احمدشاه قاجار مدتی توقیف شد ولی مجدداً به کار افتاد اما چاپ یک مقاله تند با عنوان «وضعیت پوشالی» در این روزنامه سبب شد احمدشاه از او به عدلیه شکایت کند. در آن مقاله آمده بود:

«با اینکه می‌بینیم سلطنت ما پوشالی، مجلس ما پوشالی، حکومت ما پوشالی است، چگونه انتظار داشته باشیم که شئون جامعه محفوظ مانده حیثیات مملکت در خارج و داخل محترم باشد؟»

گفته می‌شود در نهایت احمدشاه از شکایت صرف نظر کرد ولی ضیاءالواعظین به صلاح‌دید مستوفی‌الممالک (نخست‌وزیر وقت) حاضر شد تن به تبعیدی اعلام نشده به هندوستان بدهد. در هنگام عزیمت به هند وقتی به شیراز رسید، پافشاری سران عشایر باعث شد نظرش عوض شود و در سال ۱۳۰۲ به عنوان نماینده آباده و ایل قشقایی در مجلس شورای ملی برگزیده شد و به تهران آمد.

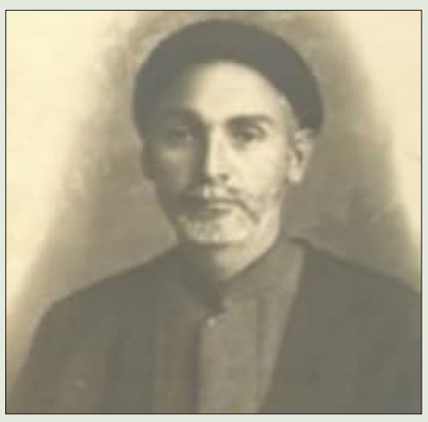

وی به نمایندگی از مردم آباده در مجالس پنجم، ششم و هفتم در مجلس شورای ملی حضور داشت. ضیاءالواعظین عضو حزب دموکرات فارس نیز بود.

ضیاءالواعظین در ۱۳۰۲ مدرسه صنعتی شیراز را بنا کرد. مدرسه مزبور که هم اکنون به هنرستان فنی طالقانی معروف است در محل آرامگاه محمّدرحیم‌خان فرزند کریم‌خان زند بنا شد و دارای ماشین‌های آهنگری، نجاری، رنگرزی و ابزارآلات کشاورزی بود.

ضیاءالواعظین در حین نمایندگی باز هم دست به انتشار روزنامه ایران آزاد با لحن انتقادی زد و در نهایت این روزنامه به دلیل انتشار سلسله مقالاتی انتقادی با عنوان «ای مرد بزرگ» خطاب به رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۱۱ برای همیشه بسته شد. در همان زمان دوره نمایندگی او نیز به پایان رسید و وی مجبور شد دنیای سیاست را کنار گذاشته و تا پایان عمر گوشه‌گیر شود.

پس از کناره‌گیری از مطبوعات و دنیای سیاست مجبور شد برای امرار معاش مدتی به کشاورزی روی آورد و در سال ۱۳۱۵ یک مغازه خواروبارفروشی به نام «روزی» در میدان بهارستان تهران تأسیس کرد و سرانجام در سوم خرداد ۱۳۲۲ در تهران درگذشت.